

## بررسی اختلال جنون عشقی در دو روایت داستانی

معصومه محمودی\*

### چکیده

پژوهش‌ها نشان می‌دهد مطالعه متن‌های ادبی با موضوع بیماری به‌ویژه با نگاه پدیدارشناسانه می‌تواند به درک بهتر بیمار و بیماری کمک کند و به شناخت زیست جهان و ذهنیت آدمی بینجامد. بدیهی است چنین رویکردی جذابیت مطالعه آثار ادبی و اقبال به آن را نیز در میان مخاطبان افزایش داده، افق‌های تازه‌ای در برابر آنها خواهد گسترده. ازسوی دیگر، در میان عواطف انسانی، عشق و رفتارهای مرتبط با احساسات عاشقانه در آثار ادبی به‌ویژه در آثار زنان داستان‌نویس بسامد بسیاری دارد و اختلال جنون عشقی یا روان‌پریشی عاشقانه یکی از اختلالات هذیانی انعکاس‌یافته در این آثار است. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی چگونگی توصیف علائم جنون عشقی یا اروتومانیا در دو داستان «عنا» از مجموعه داستان نازلی نوشته منیرو روانی‌پور و «بعد از تابستان» از مجموعه داستان چهارراه اثر غزاله علیزاده با توجه به معیارهای تشخیصی DSM-5 بررسی و تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد شخصیت‌های داستانی در آثار مورد بررسی، علائمی را بروز می‌دهند که با معیارهای تشخیصی‌بالینی اختلال موردنظر مطابقت دارد. در این داستان‌ها، نویسندگان در کنار توصیف نشانه‌های بالینی، عوامل جنسیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را هم در نظر داشته‌اند و این امر مهارت نویسندگان در ایجاد حقیقت‌نمایی و باورپذیری در پیرنگ داستانی را نشان می‌دهد که سبب ارتباط بهتر خواننده با متن و تأثیرپذیری از آن می‌شود. همچنین، توصیف احساسات و باورهای این شخصیت‌ها و تأثیر آن بر زندگی و روابط فردی و اجتماعی آنها می‌تواند به درک بهتر ذهنیت و تجربه زیستی این افراد و ایجاد تعامل برآمده از درک درست از فرد مبتلا در جهان واقعی، کمک کند.

**کلیدواژه‌ها:** جنون عشقی (اروتومانیا)، ادبیات و پزشکی، داستان معاصر، غزاله علیزاده، منیرو روانی‌پور.

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ایران، m.mahmoudi@mazums.ac.ir



## Investigating Erotomania Disorder in Two Stories

Masoumeh Mahmoudi\*

### Abstract

Research shows that the study of literary texts about an illness, especially from a phenomenological perspective, can contribute to a better understanding of the patient and the illness and lead to knowledge of the world and the human way of thinking. Obviously, this approach increases the appeal and interest of the audience in the study of literary works and opens up new horizons for them. On the other hand, among human emotions, the expression of love and behavior related to romantic feelings is more frequent in literary works, especially in the works of female writers, and erotomania, or romantic psychosis, is one of the delusional disorders reflected in these works. This descriptive-analytical study examines how the symptoms of erotomania are described in two short stories, named "Rana" from *Nazli* story collection written by Moniro Ravanipour and "Bad az Tabestan" from *Chahar Rah* story collection by Ghazaleh Alizadeh, according to DSM-5 diagnostic criteria. The results indicate that the fictional characters in the works studied show symptoms that meet the clinical diagnostic criteria of the disorder in question. In these stories, in addition to the description of clinical symptoms, the authors have also considered sexual, social, economic, and cultural factors. This shows the ability of the writers to create realism and credibility in the plot of the story, which makes the reader better connect with the text and get influenced by it. Moreover, the description of the feelings and beliefs of these characters and their effects on their lives and personal and social relationships can help readers to better understand the way of thinking and the life experience of those people and create communication that comes from understanding a psychotic person in the real world.

**Keywords:** Erotomania (De Clérambault's Syndrome), Literature and Medicine, Contemporary Story, Ghazaleh Alizadeh, Moniro Ravanipour.

---

\* Assistant Professor of Persian Language and Literature, Mazandaran University of Medical Sciences, Iran, [m.mahmoudi@mazums.ac.ir](mailto:m.mahmoudi@mazums.ac.ir)

## ۱. مقدمه

امروزه باور به تعامل بین ادبیات داستانی و متون پزشکی و اهمیت مطالعه آثار ادبی، در انتقال آموزه‌های بالینی (بن‌بیکر،<sup>۱</sup> ۲۰۰۳: ۹۶۳) و اخلاق پزشکی (فریش<sup>۲</sup> و جورجنسن،<sup>۳</sup> ۲۰۰۰: ۱۱۶۰) امری پذیرفته شده است، اما با این رویکرد داستان‌های فارسی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ حال آنکه پژوهش در این حوزه می‌تواند جذابیت مطالعه آثار ادبی و اقبال به آن را در میان مخاطبان افزایش دهد و افق‌های تازه‌ای در برابر خوانندگان بگسترده.

آشنایی با ذهنیت انسان در تجربه پدیده‌ها از طریق شخصیت‌های داستانی، به‌ویژه به‌مدد رواج شگردهای داستان‌نویسی مدرن در ادبیات معاصر ممکن شده است. در این حوزه، در دهه‌های اخیر پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبیات و پزشکی افق‌های تازه‌ای در برابر خوانندگان متون ادبی گشوده‌اند. این تحقیقات اهمیت مطالعه متن‌های ادبی را به‌منظور شناخت زیست‌جهان و ذهنیت آدمی یادآور می‌شوند و در این میان عشق و روابط عاطفی از موضوعات مشترک آثار ادبی و دیگر علوم است که قابلیت بررسی و مقایسه را در چارچوب پژوهش‌های میان‌رشته‌ای دارد.

از سوی دیگر، پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در باب متن‌های داستانی در غرب نشان می‌دهد که مطالعه این آثار با موضوع بیماری از منظر تجربه‌های انسانی‌ای که در آنها انعکاس یافته است، می‌تواند علاوه بر ایجاد همدلی در افراد، درک و شناخت جامعه پزشکی را در باب بیماری و شخص بیمار افزایش دهد. برای نمونه، در داستان *پبله و پروانه* توصیفات ژان دومنیک بویی (هن،<sup>۴</sup> ۲۰۱۳: ۱۹) از سندرم قفل‌شدگی، از لحاظ جسمانی با آنچه در متون پزشکی درباره این سندرم آمده است مطابقت دارد و نویسنده دقیقاً همان گزارش‌های پزشکی را با زبان ادبی بیان کرده است. این اثر به‌جهت بازگویی احساسات و عواطف درونی فرد مبتلا به این اختلال، توانست تحولی در درک جامعه پزشکی از بیماران مبتلا به این سندرم ایجاد کند. همچنین، روایت‌های ادبی در آثاری مانند *ماجراهای عجیب سگی در شب* (مارک هدن) و *سرعت تاریکی* (الیزابت مون) نیز به نگرش جامعه در باب افراد اوتستیک بصیرت بخشیده است (ایبید، ۱۳۹۷: ۲۱۸). حتی گفته شده که در تصمیم‌گیری‌های درمانی نیز این گزارش‌ها و تصاویر اهمیت دارند. برای نمونه، گفته شده که رمان‌های خود-زیستنامه‌ای مانند *حباب شیشه‌ای* (سیلویا پلات) و *چهره‌ها در آب* (ژانت فریم) در باب تجربه‌های آسایشگاهی و

شوک‌های الکتریکی، از دسته روایت‌های داستانی است که در شکل‌گیری دانش علوم تجربی دربارهٔ جنون و چگونگی برخورد با بیماران مؤثر بوده است (همان، ۸۹). در میان آثار فارسی نیز می‌توان به انعکاس تجربهٔ زیستهٔ "سترونی" در داستان‌های سیمین دانشور اشاره کرد که مطابقت‌های بسیاری با خاطرات مکتوب همسرش، جلال آل‌احمد دارد. به‌طوری‌که می‌توان مجموعه داستان به کی سلام‌کنم از این نویسنده را روایتی زنانه از زندگی‌نوشتِ سنگی بر گوری دانست (بیات و عبادی، ۱۳۹۷: ۵۰)

در پژوهش حاضر، کوشش شده است که با رویکردی پدیدارشناختی، اختلال جنون عشقی<sup>۵</sup> در دو داستان از نویسندگان زن بررسی شود و خوانشی پدیدارشناختی از آنها ارائه گردد.

### ۱.۱. پیشینهٔ تحقیق

از میان پژوهش‌های اندکی که به ارتباط میان آثار ادبی و اختلالات روانی پرداخته‌اند می‌توان به مطالعهٔ سیدان (۱۳۹۳) بر داستانی از هوشنگ مرادی کرمانی اشاره کرد که کوشیده است با توجه به نشانه‌های بالینی "فوبیای حیوانی" رفتار شخصیت اصلی را تحلیل کند. اما در این میان تنها دو مقالهٔ پژوهشی با موضوع بررسی اختلالات روانی با توجه به نشانه‌های بالینی DSM-5 نوشته شده است. محمودی و همکاران (۲۰۲۰) با نگاه بینامتنی نشانه‌های بالینی اختلال استرس پس از سانحه را در چند متن داستانی واکاویده‌اند و رمان‌های مورد بررسی را نمونه‌های مناسبی برای علاقه‌مندان به آشنایی با این اختلال دانسته‌اند که مطالعهٔ آنها می‌تواند، در کنار لذت‌بردن از متن ادبی، درک بهتری درباب این اختلال ایجاد کند. داودنیا و همکاران نیز (۱۳۹۲) اختلال شخصیت مرزی را در شخصیت سودابه در *شاهنامه* بررسی کرده‌اند، اما نتوانسته‌اند شواهد دقیق و کافی برای این ادعا که شخصیت سودابه می‌تواند نمونه‌ای از فرد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی باشد، بیاورند؛ بنابراین، با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی پدیدارشناختی درباب چگونگی توصیف و تشریح نشانه‌های بالینی اختلال جنون عشقی در شخصیت‌های داستانی مدرن فارسی انجام نشده است، نویسندهٔ مقاله این اختلال را در دو اثر داستانی از ادبیات معاصر، با نگاهی میان‌رشته‌ای به متن ادبی و نشانه‌های بالینی در متن پزشکی واکاویده و کوشیده است براساس معیار DSM-5 (سادوک و همکاران، ۱۳۹۷) شواهد دقیق و کافی برای ادعای خود بیاورد و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: ۱. چه مطابقت‌هایی میان نشانه‌های اروتمانی در این داستان‌ها با متون بالینی وجود دارد؟ ۲. چگونه

می‌توان تجربه زیستی زنان مبتلا به اروتومانیا در این داستان‌ها را با توجه به ساختارها و ارزش‌های اجتماعی بیرون از داستان‌ها تبیین کرد؟

### ۱.۲. روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این مطالعه، کتابخانه‌ای و روش تحلیل از نوع توصیفی-تحلیلی است. همچنین جامعه تحت مطالعه در این پژوهش، دو داستان کوتاه «بعد از تابستان» از مجموعه داستان چهارراه نوشته غزاله علیزاده (۱۳۷۳) و «رعنا» از مجموعه داستان نازلی اثر منیرو روانی‌پور (۱۳۸۴) است.

### ۲. پدیدارشناسی بیماری

پژوهشگران بسیاری در حوزه‌های مختلف به رویکرد پدیدارشناسی توجه کرده‌اند. در این روش فلسفه‌ورزی، با تأکید بر توصیف مستقیم امور، تفسیر جهان روزمره امکان‌پذیرتر می‌شود. در حوزه پزشکی و مراقبت‌های درمانی، این رویکرد از حدود ۱۹۸۰ بسیار رایج شد و آسیب‌ها و کاستی‌های برآمده از دیدگاه دکارتی را نمایان کرد. در واقع، تأثیرپذیری پزشکی از فلسفه دکارت رواج نگرشی را در پی داشت که سبب شد پزشک، بیمار زنده را همچون یک جسد یا ماشین درمان کند (رفیقی و اصغری، ۱۳۹۶: ۱۱۸-۱۱۹)؛ بنابراین، ابعاد کیفی بیماری از نظر پنهان ماند و بیماری، نزد پزشک و بیمار، دو واقعیت متمایز شد که از جهان متفاوت پزشک و بیمار حکایت دارد. بدیهی است در چنین وضعیتی، آگاهی پژوهشگران از تجربه بیمار از بیماری و معنایی که بیماری برای او دارد، در امر درمان کارگشا است.

پدیدارشناسی رویکردی فلسفی است که توصیف تجربیات در زیست-جهان را می‌کاود و البته رویکرد عینی واقعیت را انکار نمی‌کند، بلکه بر تجربه ذهنی شخص یا به عبارتی تجربه بی‌واسطه و مستقیم یا تجربه زیسته<sup>۶</sup> تأکید می‌کند. «زیست‌جهان» اصطلاحی رایج در میان پدیدارشناسان است که که تجربه جهان طبیعی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود. در واقع، آنچه زیست‌جهان آشکار می‌کند، بعد وجودی انسان است که مقدم بر بعد معرفت‌شناختی او است. در فرآیند پدیدارشناسی، اهمیت عادت‌های نظری، اجتماعی و فرهنگی ذهن در درک و تفسیر تجربه‌های دیداری نمایان می‌شود (همان، ۱۳۹۹: ۶۸-۷۰). بررسی پدیدارشناسانه متون ادبی به‌طور کلی و آثاری که به‌ویژه اختلالات جسمی و روانی در آنها نمود یافته است، می‌تواند به درک بهتر از بیمار، بیماری و... بینجامد؛ چراکه پژوهش‌ها نشان می‌دهد تماس

هوشمندانه با متون ادبی توانایی‌های تفسیری و روایی و قدرت‌های ارتباطی را توسعه می‌دهد و این مهارت‌ها برای به‌دست‌آوردن تصویری از دیدگاه بیمار و وضعیت و نقش بیماری در زندگی آنها، عکس‌العمل بستگان و اطرافیان در وضعیت اجتماعی آنها، یا واکنش آنها در برابر تشخیص، ضروری است.

در پی این تماس هوشمندانه با اثر ادبی، توانمندی پزشکان و متخصصان برای حمایت از بیماران در درک و درگیر شدن در وضعیت و درمانشان افزایش می‌یابد. هرچند ادبیات نمی‌تواند به‌تنهایی پزشکان اخلاقی و حساس تربیت کند، اما اگر به سازوکار و شگردهای روایی، اعمال شخصیت‌ها و چگونگی ارتباط آنها در متن ادبی توجه شود، درک بهتری از کشمکش‌های اخلاقی و تجربه‌های حیاتی آنها حاصل می‌شود. در چنین خوانشی، خوانندگان به‌طور انتقادی درگیر متن می‌شوند و با افزایش همدلی، به شرایط بی‌نهایت پیچیده انسانی وقوف می‌یابند (بولتن، ۲۰۰۵: ۱۷۵).

### ۳. اختلال جنون عشقی (اروتومانیا یا سندرم کلرامبو)

اروتومانیا، که از دو واژه اروس و مانیا به‌معنای جنون ترکیب شده، با اروس هم‌ریشه است. مانیا، از ریشه هندواروپایی به‌معنای فکر کردن و به‌یاد آوردن، با واژه mainiite در اوستا هم‌ریشه است. اولین بار ژاک فراند در سال ۱۶۲۳ در رساله‌ای با عنوان بیماری عشق، اصطلاح اروتومانیا را برای توصیف نوعی پارانویای مبتنی بر عشق به‌کار برد. برخی هم این اختلال روانی را داء‌العشق یا خودمعمشوق‌پنداری نامیده‌اند (عوض‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۵). این سندرم به‌طور تصادفی در یکی از داستان‌های کوتاه ژرژ سیمون، داستان‌نویس فرانسوی، در سال ۱۹۴۴ به نام «آقای دوشنبه» آمده و برخی نام سندرم سیمون را برای آن پیشنهاد کرده‌اند. «اروتومانیا را روان‌پریشی عاشقانه یا سندرم کلرامبو<sup>۸</sup> نیز نامیده‌اند که اولین بار کلرامبو در سال ۱۹۴۲ به آن اشاره کرده است» (جوردن<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۶: ۷۸۷).

ملاک‌های عملیاتی برای تشخیص اروتومانیا عبارت‌اند از: ۱. اعتقاد هذیانی مبتنی بر وجود یک رابطه عاشقانه؛ ۲. فرد مقابل (ابژه) معمولاً موقعیت بالاتری دارد؛ ۳. فرد مقابل برای اولین بار عاشق شده است؛ ۴. فرد مقابل ابتدا پیشروی جنسی را آغاز کرده است؛ ۵. شروع ناگهانی (ظرف یک‌دوره هفت‌روزه)؛ ۶. ابژه بدون تغییر باقی می‌ماند؛ ۷. بیمار برای رفتار متناقض‌گونه ابژه دلیل‌تراشی می‌کند؛ ۸. سیر مزمن؛ ۹. فقدان توهم. اروتومانیا علاوه‌براینکه علامت اصلی برخی از اختلالات هذیانی است، در اسکیزوفرنی، اختلالات خلقی و سایر اختلالات عضوی نیز رخ می‌دهد (سادوک، ۱۳۹۷: ۶۱۰).

در این اختلال، فرد مبتلا هرگونه انکار عشق از طرف مقابل را حتی به شکل واضح نمی‌پذیرد و آن را اقدامی برای پنهان کردن عشق می‌داند. این سندرم در مردان و زنان و در میان هم‌جنس‌گرایان دیده شده است. برخی پژوهشگران این سندرم را بخشی از اختلال شیذوفرنی یا اختلال دوقطبی می‌دانند. این سندرم امروزه در دسته اختلالات هذیانی<sup>۱۰</sup> طبقه‌بندی شده است (عوض‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۶-۸۷). برخی روان‌پزشکان مبتلایان به این اختلال را به دو گروه تقسیم کرده‌اند؛ گروه اول معمولاً تشخیص اسکیزوفرنی یا دیگر اختلالات روانی درباره آنها داده می‌شود و مادام‌العمر به این اختلال مبتلا هستند و بیشتر زنانی ضعیف و وابسته و پیش‌بینی‌ناپذیر را شامل می‌شوند که نسبت به دیگران احساس حقارت دارند و اغلب یک معشوق معمولی را برمی‌گزینند و همواره به او دل می‌بندند؛ اما در گروه دوم، که زنانی سالم‌تر، فعال‌تر از لحاظ جنسی و تکانشی هستند، معیارهای تشخیصی اروتومانیا وضوح بیشتری دارد و به‌طور دوره‌ای عاشقانی قدرتمند و برجسته را انتخاب می‌کنند. احتمال بهبود در گروه دوم بیشتر است. این توهم در واقع در گروه اول سازوکاری دفاعی در برابر اعتمادبه‌نفس پایین، تمایلات جنسی و پرخاشگری بیرونی است و در گروه دوم واکنشی دفاعی در برابر شک و تردیدهای هم‌جنس‌گرایانه و احساس رقابت یا کینه است و می‌تواند تلاشی در جهت ترکیب قدرت با تصویر شخصی خود باشد. پژوهشگران معتقدند جنون عشقی به فرهنگ خاصی محدود نمی‌شود و موارد ابتلای به آن در کشورهای امریکایی، اروپایی و آسیایی دیده شده است. همچنین، تحولات اجتماعی و فرهنگی که در جهان اتفاق افتاده است و آزادی بیان بیشتر در مسائل جنسی، برخلاف پیش‌بینی‌ها، از تعداد مبتلایان نکاسته است و موارد گزارش شده در حال افزایش است (جوردن، ۲۰۰۶: ۷۹۱).

#### ۴. خلاصه داستان‌ها

۱.۴. «رنا»: این داستان از مجموعه نازلی نوشته منیرو روانی‌پور است و زندگی نویسنده‌ای سیاسی را بازگو می‌کند که پس از انزوا، به یکی از محافل ادبی در خانه زنی به نام رنا راه می‌یابد. رنا زنی ثروتمند است که برای سرگرمی و گریز از تنهایی محفلی به راه انداخته و هنرمندان مفلس و سرخورده، به امید بذل و بخششی از جانب او برای گذران زندگی، رفتار تحقیرآمیزش را تحمل می‌کنند. مریم از نویسندگانی است که هر از گاهی برای بهره‌مندی از بذل و بخشش‌های حقارت‌آمیز رنا در این محفل حاضر می‌شود و با فروش هدیه‌هایی که از

او دریافت کرده، روزگار می‌گذراند. تجربه دردناک احساس حقارت در این رفت‌وآمدها مریم را وامی‌دارد تا راهی برای شکستن رعنا بیابد و معشوقی خیالی بیافریند. معشوقی که در توصیفات خیالی‌اش، پهلوان دوران لقب دارد، در کار آموزش ساز است و هر آنچه خوبان همه دارند، به‌تنهایی دارد. حضور این عشق خیالی زندگی مریم را تغییر می‌دهد. او برای خود از جانب مرد خیالی هدیه‌هایی می‌خرد که مورد توجه رعنا قرار می‌گیرد و از تنهایی بیرون می‌آید. رعنا مجذوب توصیفات مریم از مرد عاشق می‌شود و به ملاقات با او اصرار می‌کند. این موضوع باعث می‌شود تا این دو زن زمان بیشتری را با هم بگذرانند و در پایان مریم که خود وجود معشوق خیالی را باور کرده و در جست‌وجوی او به ارومیه رفته است از رعنا برای یافتن مرد عاشق کمک می‌خواهد.

۲.۴. «بعد از تابستان»: این داستان از مجموعه «چهارراه» نوشته غزاله علیزاده است و ماجرای دلدادگی خیالی حورا و توران را روایت می‌کند که دخترعمو هستند و در نوجوانی شیفته معلم خود شده‌اند. هریک از دخترعموها با تفسیر نادرست رفتار و گفتار شهباز، معلم جوان، او را عاشق خود می‌دانند. این توهم عاشقانه سبب دلخوری و قهر طولانی آنها می‌شود. شهباز برای ادامه تحصیل به امریکا می‌رود و هجده سال بعد در یک مهمانی خانوادگی دخترها متوجه اشتباه خود می‌شوند و با هم آشتی می‌کنند.

## ۵. بحث

عشق از مضامین رایج در داستان‌ها است که بارها نویسندگان آن را در آثار خود پرورانده‌اند. در این میان، به‌ویژه زنان نویسنده، به جزئیات رفتاری و ذهنیت شخصیت‌های داستانی توجه ویژه‌ای داشته‌اند. فارغ از مفهوم این داستان‌ها و درون‌مایه آنها، شخصیت‌ها برخی از نشانه‌های اروتومانی را در خود دارند و تجربه‌ای که از زیست‌جهان آنان در داستان ترسیم شده، از نگاه پدیدارشناختی درخور تأمل است:

**۵.۱. اعتقاد هذیانی به رابطه عاشقانه:** تعبیر نمادین داستان «رعنا»، خیالی بودن معشوق کامل و دست‌نیافتنی بودن او است، اما براساس علائم بالینی در متون علمی، رفتار شخصیت اصلی برآمده از اعتقاد هذیانی به رابطه‌ای عاشقانه، آن هم از نوع خیالی، است که یکی از نشانه‌های اختلال اروتومانی شناخته می‌شود. «در سال ۱۹۷۱، روان‌کاوی به نام ماری لیمن سندرم عشق خیالی را تبیین کرد که در زنان مجرد میان‌سال به‌جهت نیاز به عشق در زندگی



رخ می‌دهد و معشوق فرد مبتلا به این سندرم در واقع وجود خارجی ندارد» (همان، ۸۸). مریم نیز در داستان «رعنا» عاشقی خیالی آفریده و ویژگی‌های یک مرد کامل را به او نسبت می‌دهد و رعنا را نیز با خود همراه می‌کند. اگرچه مریم به خیالی بودن عاشق واقف است، اما به تدریج باور می‌کند که این عاشق وجود خارجی دارد. در صحنه‌ای از داستان، وقتی مریم ادعا می‌کند مرد عاشق در رضاییه به دنبال ساختن ساز است و بعد با رعنا به مسافرت می‌رود، در هنگام بازگشت از مسافرت برای لحظه‌ای باور می‌کند که مرد از رضاییه بازگشته و چراغ‌های خانه را روشن کرده است، اما پس از چند لحظه به دنیای واقعی بازمی‌گردد و به‌خاطر می‌آورد که خودش به دلیل حفظ امنیت خانه چراغ را هنگام مسافرت به ویلای رعنا روشن گذاشته بوده است (روانی‌پور، ۱۳۸۴: ۳۶).

در این داستان، مریم با خلق عشقی خیالی، موازنه قدرت میان خود و رعنا را به هم می‌ریزد و جایگاه برآمده از ثروت رعنا را به چالش می‌کشد. در واقع «عواطف مثبت شباهت زیادی به اعتبار دارند... که می‌تواند تصاحب شود و در طیف گسترده‌ای از موقعیت‌ها که برای افراد منزلت‌آفرین است، به کار رود» (ترنر، ۱۳۹۸: ۴۲). مریم با تأمل در رفتار رعنا متوجه ضعف او می‌شود و با ادعای تجربه عشق در نظر رعنا، که از فقدان عشق رنج می‌برد، زنی قدرتمند جلوه می‌کند. این بازی سبب نزدیک‌تر شدن دو زن به یکدیگر می‌شود. رعنا برای آشنایی با مرد عاشق و جلب اعتماد مریم برای تدارک دیدار، هدیه‌های بیشتری به مریم می‌دهد و زمان بیشتری را با او می‌گذراند. در رابطه میان مریم و رعنا، مریم به واسطه این دارایی عاطفی نسبت به رعنا که زنی ثروتمند است جایگاه بالاتری کسب می‌کند و ضعف و زبونی به جهت فقدان عشق در رفتار رعنا نمایان می‌شود. تلفن‌های مکرر به خانه مریم برای شنیدن اخبار از مرد عاشق یا شنیدن صدای او (روانی‌پور، ۱۳۸۴: ۲۸)، حضور سرزده در خانه مریم (همان، ۳۱) و اصرار به سفر با او (همان، ۳۴) و... از نمونه رفتارهای رعنا است که دیگر علاقه‌ای به برگزاری مهمانی‌هایی با حضور نویسندگان و هنرمندان ندارد و گویی برگزاری چنین محفلی فقط در راستای این هدف بوده که عشق را بتواند تجربه کند و معشوق دلخواه را بیابد (همان، ۳۴).

در داستان «بعد از تابستان» نیز، توران و حورا هرکدام باور دارند که شهباز، معلم خصوصی، به آنها علاقه‌مند است و تمایل به خواستگاری دارد. این خیال‌پردازی عاشقانه

سال‌ها با آنها می‌ماند و مایه رنجش دو رقیب را فراهم می‌سازد و هرکدام نیز در انتظار برای بازگشت مرد عاشق فرصت‌های ازدواج را از دست می‌دهند.

در صحنه‌ای از داستان، شهباز که با اصرار دخترها به خانه تابستانی آنها در بیلاقات آمده است، در هنگام گردش روزانه به حورا کمک می‌کند تا دامن لباسش را که به خارها گیر کرده آزاد کند؛ حورا نگاه و حرکات شهباز را عاشقانه تصور می‌کند (علیزاده، ۱۳۷۳: ۱۲۰) و ساعتی بعد، زمانی که توران می‌خواهد سوار خر شود، به او می‌گوید که حیوان چشم‌های مهربانی دارد و حتما اجازه سواری می‌دهد، اما چارپا رم می‌کند و شهباز که متوجه سروصدای دخترها شده است به کمک توران می‌آید. کج‌فهمی حورا از نگاه‌های معلم به خود و اشتباه در فهم نگاه چارپا برای سواری‌دادن، دستمایه طنزپردازی در بخشی از داستان شده است (همان، ۱۲) و نمادی از خیال‌پردازی‌های عاشقانه شخصیت‌ها در داستان است. این توهم عاشقانه زمانی از میان می‌رود که دخترها سال‌ها بعد شهباز را با همسر و فرزندش در یک مهمانی مشترک ملاقات می‌کنند.

**۲.۵. موقعیت بالاتر ابژه:** پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنانی که مبتلا به ارومانیا هستند نسبت به دیگران احساس حقارت می‌کنند. آنها ادعای عشق‌ورزی از جانب کسی را دارند که نسبت به ایشان از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برتر است. به نظر می‌رسد این توهم سازوکاری دفاعی در برابر عزت‌نفس پایین، تمایلات جنسی و پرخاشگری خارجی است (جوردن، ۲۰۰۶: ۷۹۱). همچنین، «انزوای اجتماعی که معمولاً این افراد دارند، مانع از تجدیدنظر در عقاید و انقراض آن می‌شود. این توهم آسایش روحی را ایجاد می‌کند که تداوم این توهم را در پی دارد و مانع از گرفتن کمک می‌شود» (سیمن، ۲۰۱۶: ۳۵۰). در داستان «رعنا» نیز، مرد عاشقی به تصویر کشیده می‌شود که از شرایط اجتماعی و اقتصادی بهتری برخوردار است و حضور خیالی او مایه عزت‌نفس شخصیت اصلی داستان می‌شود. تنهایی و انزوای شخصیت اصلی نیز به پرورش و رشد این عشق خیالی دامن می‌زند و به تدریج این باور عمیق‌تر و بحرانی‌تر می‌شود. مریم کتاب‌هایش را می‌فروشد و هدیه‌هایی را که به اسم مرد عاشق برای خود خریده نگاه می‌دارد و به جست‌وجوی مرد می‌رود (روانی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۱).

در متون بالینی گفته شده: «این بیماران اغلب زنان غیرجذابی هستند که در مشاغل سطح پایین کار می‌کنند و در عزلت و تنهایی هستند. آنها مجردند و تماس‌های جنسی چندانی

ندارند و عشاقی را انتخاب می‌کنند که تفاوت‌های چشمگیری با آنها دارند» (سادوک و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۱۰). در داستان «رعنا»، غیرجذاب بودن و قراردادن در موقعیت اقتصادی دشوار از مشخصه‌های شخصیت اصلی است و به نظر می‌رسد عشق و ازدواج می‌تواند در زندگی او دگرگونی ایجاد کند، اما در داستان «بعد از تابستان»، عشق به جهت اهمیت نمادین ازدواج به منزله «نماد منزلتی و بیان عام کیفیت روابط و دستاوردی روبنایی در زندگی بزرگسالی» (ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۱۴۱) مطرح است. یکی از استنباط‌های افراد مجرد از وضعیت خود، احساس طرد، عدم پذیرش و نداشتن جایگاهی هم‌تراز فرد متأهل در جامعه است. در این میان، اکثر زنان مجرد، با توجه به باورهای فرهنگی، دینی و سنتی، ازدواج را شکل مطلوب و مشروع زندگی می‌دانند و تکامل خود را در گرو آن می‌پندارند (حسینی و ایزدی، ۱۳۹۵: ۴۸-۵۹). در داستان «بعد از تابستان» نیز هرکدام از دختران سعی دارد زمینه ورود به دنیای بزرگسالی را برای خود فراهم کند و لزوماً تنهایی و قراردادن در موقعیت پایین‌تر از لحاظ ظاهری و خانوادگی و اجتماعی، زمینه‌ساز خیال‌پردازی عاشقانه‌شان نیست. البته، در داستان «بعد از تابستان»، هردو دختر و اطرافیان‌شان آقای شهباز را تحصیل کرده و امروزی می‌دانند (علیزاده، ۱۳۷۳: ۱۱۴) و به تعبیر دیگر، ابژه در این داستان نیز از جایگاه اجتماعی بالاتری نسبت به شخصیت‌های اصلی داستان قرار دارد، اما انگیزه انتخاب به اهمیت ازدواج و رقابتی که بین دختران نوجوان، توران و حورا، وجود دارد (همان، ۱۱۱) مربوط است. به باور جامعه‌شناسان، «در جهت‌دهی دختران به سمت روابط عاشقانه، رقابت با همسالان و چشم‌وهم‌چشمی عاطفی سهم مهمی دارد» (سهراب‌زاده و حمای، ۱۳۹۳: ۴۸۲).

**۵.۳. سیر مزمن:** در داستان «رعنا»، شخصیت اصلی به تدریج باور می‌کند که مردی عاشق اوست و با این باور به تلفن‌ها پاسخ می‌دهد (روانی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۰). در خانه را می‌گشاید (همان، ۳۳) و در پایان هم در جست‌وجوی مردی که خیال می‌کند او را ترک کرده به رضاییه می‌رود و بعد با رعنا تماس می‌گیرد تا او را در این جست‌وجو همراهی کند (همان، ۴۲). سیر مزمن احساسات عاشقانه در شخصیت‌های اصلی داستان «بعد از تابستان» نیز دیده می‌شود. حورا و توران در گذر زمان دلبستگی عمیق‌تری یافته‌اند و همین آنها را از ازدواج بازداشته است. توران که دلبسته این عواطف یک‌طرفه شده است، سال‌ها از حضور در اجتماع دوری می‌کند و چندان با دیگران در ارتباط نیست. توصیف نویسنده از حورا، زنی سی‌وپنج ساله را

به نمایش می‌گذارد که رفتار و افکار کودکانه دارد (علیزاده، ۱۳۷۳: ۱۲ و ۸۴). در بخشی از داستان، مادر خطاب به حورا، که بعد از مدت‌ها در حال رفتن به مهمانی است، می‌گوید که در مجلس مهمانی با دیگران هم‌صحبت شود و از انزوا خودداری کند (همان، ۸۴). حورا به شعرگفتن روی می‌آورد و یکی از اشعارش را در جنگ شعر امروز چاپ می‌کند. یکی از تخیلات او تصور صحنه‌ای است که شهباز با خواندن اشعار حورا، از عشق حورا رنگ می‌بازد و اشک می‌ریزد:

آقای شهباز... روی صندلی می‌نشیند و شعر عاشقانه را بارها می‌خواند. از پنجره نگاه می‌کند به خیابان. یک قطره اشک بر گونه‌اش می‌غلطد. زیر لب می‌گوید: «ای حورا! ای تابستان طلایی من! ما دو دیواریم، ما دو دیوار بلند کوجهای تنگیم» (همان، ۱۴۶).

**۵.۴. ابژه بدون تغییر باقی می‌ماند:** در داستان «رنا»، شخصیت اصلی همواره عاشق همان مردی است که او را توصیف کرده و ویژگی‌های پایداری دارد و تا پایان ماجرا هم در جست‌وجوی اوست. در داستان «بعد از تابستان»، حورا و توران شهباز را بی‌مانند می‌دانند و هرکدام از تجربیات و گفت‌وگوهای را که با شهباز داشته‌اند دلیلی بر مدعای خود می‌آورند. به اصرار دخترها، شهباز پیش از رفتن به امریکا برای ادامه تحصیل، با هرکدام از دخترها دیدار می‌کند و به آنها هدیه‌ای می‌دهد. توران و حورا برای این هدیه‌ها تعبیر نمادینی می‌پرورند و آن را دلیلی بر عشق شهباز به خود تلقی می‌کنند (همان، ۱۴۴).

**۵.۵. دلیل تراشی برای رفتار متناقض ابژه:** در متن نشانه‌ای دیده نشد.

**۵.۶. شروع ناگهانی:** در داستان بعد از تابستان، توران و حورا ابتدا توصیفات معلم جوان را از همکلاسی خود می‌شنوند و زمانی که معلم را در خیابان در حال گفت‌وگو با همکلاسی خود می‌بینند، شیفته آقای شهباز می‌شوند (همان، ۹۰). در داستان رنا، اگرچه شخصیت عاشق، ساختگی است و به تدریج شکل می‌گیرد، ولی باور به وجود او و بی‌قراری برای یافتنش، به یکباره در ذهن شخصیت اصلی ایجاد می‌شود (روانی‌پور، ۱۳۸۱: ۳۲).

پژوهشگران معتقدند اختلال جنون عشقی به ندرت در افراد مسن دیده می‌شود و ارتباطی هم با زوال عقل ندارد و مربوط به تفسیر غلط از وقایع است (سیپیریانی، ۲۰۱۲: ۳۸۳). در داستان‌های مورد بررسی نیز شخصیت‌های اصلی جوان هستند و تفسیر نادرستی از وقایع دارند. نکته دیگری که در توصیف رفتار افراد مبتلا ذکر کرده‌اند این است که افراد مبتلا به این اختلال ممکن است در زندگی قربانیان خود هرج‌ومرج ایجاد کنند و با تماس‌های تلفنی،

دادن هدیه و تعقیب و گریز ایجاد مزاحمت کنند (جوردن، ۲۰۰۶: ۷۸۹). در داستان «رعنا» چنین توصیفی وجود ندارد، اما در متن «بعد از تابستان»، دو دختری که باور دارند شهباز عاشق آنها است، همواره در اطراف او تردد می‌کنند و درنهایت هم با اصرار و زاری هرکدام جداگانه او را می‌بینند و مرد جوان هدیه‌هایی به آنها می‌دهد (علیزاده، ۱۳۷۳: ۱۴۴). البته با رفتن شهباز از ایران ارتباط آنها کاملاً قطع می‌شود و دخترها به خاطرات خود پناه می‌برند. به‌نظر می‌رسد، از آنجایی که درهم‌تنیدگی همهٔ حس‌های ما با هم و با جهان، ادراک جهان را ممکن می‌کند (خبازی و سبطی، ۱۳۹۵: ۷۲)، در داستان «رعنا»، درک و احساسی که مریم دربارهٔ خود و اطرافش دارد، ادراک تازه‌ای در او پدید می‌آورد. گفته شده است که عزت‌نفس پایین از مشخصه‌های مبتلایان به اختلال جنون عشقی است (سیمن، ۲۰۱۶: ۳۵۵). در داستان «رعنا»، تحقیری که مریم تجربه می‌کند، او را وامی‌دارد تا رابطهٔ عاشقانهٔ خیالی را شکل دهد و به‌دنبال آن، با بروز اختلال روانی، تشویش در معنا را تجربه کند. ازمنظر پدیدارشناسی، «بیماری از نوع روانی آن نیز می‌تواند به ایجاد بحران در وجود معنادار بینجامد که مورد محدودی از آن را می‌توان در فروریزی معنا یا آنچه هایدگر «تشویش»<sup>۱۳</sup> نامیده است، دید» (رفیعی و اصغری، ۱۳۹۹: ۷۴). یکی از مهم‌ترین وجوه رویکرد پدیدارشناسانه، معنایی است که به آن تجربه نسبت داده می‌شود (همان، ۶۹). ناتوانی شخصیت اصلی داستان «رعنا» از تأمین مایحتاجش، نیاز به بازسازی در ادراک جهان اطراف را به‌دنبال دارد و با بروز اختلال مورد نظر، تشویش در معنا گسترش می‌یابد. در داستان روانی‌پور، رعنا هر پنجشنبه محفلی از هنرمندان شهر برگزار می‌کند که آیین خاصی در آن اجرا می‌شود؛ مثلاً در طول مهمانی هیچ‌کس اجازه ندارد به میز پذیرایی نزدیک شود و باید تا پایان مجلس و به‌صدا درآمدن زنگ مخصوص صبر کنند:

روی میز سبدهای پر از میوه و شیرینی چیده شده بود. اگر سیمین بود می‌گفت نگاه کن کیوی هم هست... همیشه باید آخرین میهمان هم بیاید، اشعاری خوانده شود و بعد رعنا زنگی را به صدا دربیآورد و... حملهٔ سراسری شروع می‌شود. برای کسانی که از کار اخراج شده‌اند، این سفرهٔ رنگین نفس‌بر است (روانی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۳).

رعنا هربار در پایان مجلس یکی از حضار را مورد لطف خود قرار می‌دهد، برگهٔ چک یا شیئی را هدیه می‌دهد. حس تحقیری که مریم، شخصیت اصلی، تجربه می‌کند تنها حس او نیست و دیگران نیز چنین حسی دارند، اما به‌جهت نیاز مالی، با وجود اینکه گاهی به آنها دشنام نیز

می‌دهد (همان، ۱۳)، گریزی از حضور و تحمل فضای محفل ندارند. شخصیت اصلی نیز پس از نقدکردن چکی که چندماه پیش از رنا هدیه گرفته بود (همان، ۱۴)، از سر نیاز دوباره به خانه او می‌رود و این‌بار رنا جعبه کرم آرایشی معروف و گران‌قیمتی به او هدیه می‌دهد که مریم با فروشش می‌تواند بخشی از کتاب‌های خود را که پیش از این فروخته با قیمت بیشتر دوباره خریداری کند (همان، ۱۱).

دلم می‌خواست خودم را قایم کنم. دلم می‌خواست می‌توانستم با وردی غیب شوم. تمنای مرگ می‌کردم... دستم یخ زده بود... سرانجام سیمین زن همایون بود که آن را گرفت. توی چشمانش پر از غصه بود. آهسته کنارم نشست و گفت عادت می‌کنی (همان، ۱۱).

در داستان «بعد از تابستان»، تجربه جنون عشقی در رابطه شخصیت‌ها با اطرافیان و نحوه تعامل آنها با جهان پیرامونشان تأثیرگذار است. خشم در گفتار (علیزاده، ۱۳۷۳: ۸۴) و انزوا از مشخصه‌های اصلی شخصیت‌ها در طول داستان است. تفسیر نادرست از روابط عاطفی به‌ویژه در مواجهه با جنس مخالف در صحنه‌ای از داستان برجسته می‌شود؛ زمانی که در مهمانی مردی به سمت حورا می‌آید و می‌خواهد با زنی که در کنار او نشسته هم‌صحبت شود، حورا دچار اضطراب می‌شود و گمان می‌کند که مرد می‌خواهد به او پیشنهاد ازدواج بدهد. برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که تحول در نحوه ارتباط بیمار با جهان پیرامونش و اطرافیان، مشکلاتی برای او به‌وجود می‌آورد و ممکن است جهان اجتماعی‌اش را هم دگرگون کند (رفیقی و اصغری، ۱۳۹۶: ۱۱۶). این امر در تجربه شخصیت اصلی این داستان نمایان است. در واقع، قضاوت‌ها و تفسیرهای نادرست از رفتار دیگران سبب منزوی‌شدن و گریز حورا از آنها می‌شود و این انزوا همان رفتاری است که مادر حورا او را از آن برحذر می‌دارد (علیزاده، ۱۳۷۳: ۸۴). عامل دیگر این انزوا، پیوند احساسی‌ای است که حورا به‌طور خیالی با شهbaz پیدا کرده و این پیوند خیالی، درست مثل احساس و پیوندی واقعی، از پیوندهای احساسی او با اشخاص و گروه‌های دیگر کاسته است (سهراب‌زاده و حمامی، ۱۳۹۳: ۴۸۶).

اگرچه آثار ادبی، اسناد تاریخی رفتارهای رمانتیک نیستند، این شواهد فرهنگی مفروضاتی هستند که خویشتن، اخلاق و روابط بین‌فردی را نمایان می‌کنند و می‌توانند در شناخت خصوصیات برجسته اعمال رمانتیک معاصر به ما کمک کنند (ابراهیمی و میرزایی، ۱۳۹۸: ۱۸۵). در متن‌های بررسی‌شده، با توجه به بازنمایی تجربه زیستی عاشقانه شخصیت‌ها، می‌توان انعکاسی از تأثیر شرایط مختلف را بر دو امر شیوه‌های عشق‌ورزی و جایگاه عشق،

به‌ویژه در میان زنان داستان، مشاهده کرد. از آنجاکه عمل عشق‌ورزی، به‌منزلهٔ بخش مهمی از هستی انسان، در یک بستر تاریخی، اجتماعی و طبقاتی انجام می‌گیرد و سبب برقراری روابط متقابل و متقارن در بین افراد می‌شود (ابراهیمی و میرزایی، ۱۳۹۸: ۲۱۴)، به‌نظر می‌رسد اگر حورا و توران در شرایطی می‌زیستند که امکان بازگ کردن احساسات عاشقانهٔ خود را به شهباز داشتند، با آگاهی از احساسات او، تفسیرهای نادرستشان تصحیح می‌شد و زندگی خانوادگی و اجتماعی دیگری را تجربه می‌کردند. آنها در پایان داستان، زمانی که شهباز را با همسر و فرزندش می‌بینند، به‌یکباره کینه و نفرت دیرین را فراموش می‌کنند و متوجه اشتباه خود می‌شوند. بی‌شک، باورهای فرهنگی در این زمینه اهمیت بسزایی دارند. حورا و توران در طبقه‌ای زیست می‌کنند که اگرچه در ظاهر روابط اجتماعی زن و مرد گسترش یافته است، همچنان بسیاری از سنت‌ها به زندگی خود ادامه می‌دهند. معلم جوان برای آموزش آنها به ییلاق می‌آید و دخترها هرگونه توجه و محبتی را از جانب او، به‌شیوهٔ مرسوم در جامعهٔ سنتی، عشق تعبیر می‌کنند. هردو شخصیت، کوچک‌ترین توجه و مهربانی از جمله کمک شهباز برای عبور از جادهٔ ییلاقی (علیزاده، ۱۳۷۳: ۱۲۰) و هدیه‌های خداحافظی را نشانهٔ دل‌بستگی مرد جوان به خود می‌دانند (همان، ۱۴۴).

شاید بتوان گفت محدودیت‌های برآمده از هنجارها و ساختار اجتماعی‌ای که زنان در بازگویی شفاف احساسات و عواطف تجربه می‌کنند، در شیوع اختلال جنون عشقی در میان آنها تأثیرگذار است؛ چراکه در متون بالینی نیز بیشترین موارد ابتلا در زنان گزارش شده است (کلی، ۱۴، ۲۰۰۵: ۶۵۷). همچنین، اگرچه از میان نشانه‌های اروتومانی، توجیه رفتار متناقض ابژه در این دو داستان مصداقی ندارد، به‌نظر می‌رسد این نشانه می‌تواند با باورهای فرهنگی افراد مرتبط باشد. برای مثال، بی‌توجهی عاشق خیالی با توجیه شرم و حیای او یکی از دلیل‌تراشی‌های رایج در ادبیات عاشقانهٔ پیشامدرن است که در عشق‌ورزی‌های یک‌طرفه نمود بسیاری دارد و به تفکرات رایج در جامعهٔ سنتی و هنجارهای مرتبط با بازگویی احساسات مرتبط است. در اشعار دورهٔ وقوع، جفای یار نشانهٔ توجه خاص او به عاشق است و ازسوی دیگر، رونق معشوقی و رواج بازار محبوبی از شرم و حیا است (فتوحی، ۱۳۹۹: ۲۱۷). در داستان‌نویسی پس از مشروطه نیز ابراز احساسات عاشقانه همواره سبب آسیب‌دیدگی زنان و بدنامی آنها می‌شده است و کتمان عشق و خویش‌داری را مایهٔ عافیت می‌دانسته‌اند (بشیری

و محمودی، ۱۳۹۰: ۶۰ و ۶۷). در واقع، در جامعه سنتی، به سبب موانع اجتماعی و فرهنگی، امکان چندانی برای ابراز آشکار عشق وجود ندارد و این خود زمینه را برای انواع سوءتفاهم فراهم می‌کند که برای آن در ادبیات قدیم نمونه‌های بسیاری می‌توان سراغ کرد. برای نمونه، بیت «گرچه می‌گفت که زارت بکشم، می‌دیدم/ که نهانش نظری با من دلسوخته بود» از حافظ و ابیاتی از این دست می‌تواند روایت گویایی از رفتارهای مرتبط با حوزه عشق‌ورزی در بستر اجتماعی آن روزگار باشد.

البته، شاید بتوان گفت در دوره رواج مکتب وقوع، از آنجاکه یار توصیف‌شده غالباً مرد بوده است (فتوحی، ۱۳۹۹: ۲۲۸)، بیم رسوایی نیز می‌رفته و در کتمان عشق می‌کوشیده‌اند و همین هم زمینه‌ساز سوءتفاهماتی می‌شده است. اگرچه در ادبیات معاصر چنین تعبیر و برداشت‌هایی از جانب مردان رواج ندارد، همچنان در متون ادبی زنانی به تصویر کشیده می‌شوند که به سوءتفاهم‌هایی در زمینه عشق دچارند. یکی از نمونه‌ها، کلارا شخصیت اصلی داستان *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* (پیرزاد، ۱۳۸۰) است که در اوج بحران میان‌سالگی و نیاز به حمایت‌های عاطفی همسرش، رفتارهای مرد همسایه را تعبیر به عشق می‌کند.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، علاوه بر شیوه‌های عشق‌ورزی، جایگاه عشق و اهمیت آن نیز در رفتار شخصیت‌های این دو داستان بازتاب یافته است. به‌زعم جامعه‌شناسانی مانند ترنر، عشق و وفاداری مانند پول و قدرت از منابع ارزشمندی هستند که به‌طور نابرابر توزیع شده‌اند و تلاش افراد برای دستیابی به آن قابل توجه است (ترنر، ۱۳۹۸: ۴۵). این امر در باب شخصیت‌های هردو داستان و اشتیاقی که به روابط عاشقانه دارند صدق می‌کند. در داستان «رعنا»، شخصیت اصلی در برابر ثروت رعنا احساس خشم و تحقیر دارد و ادعای معشوق بودن به ابزار قدرتمندی بدل می‌شود تا بتواند در برابر رعنا که در عین ثروت از عشق بی‌نصیب است، سر بلند کند؛ البته، در این داستان، تجربه شرایط دشوار و آزاردهنده زمینه‌ساز تفسیر نادرست روابط و ایجاد باور خیالی به عشق می‌شود. در واقع، در هردو متن، عشق عنصری نجات‌بخش توصیف می‌شود. همچنین، زندگی یک‌نواخت و ملال‌آور توران و حورا نیز برای این دو نوجوان همان قدر آزاردهنده است که فقر و تحقیر برای زن داستان «رعنا»:

توراندخت با دستمال آب بینی را پاک می‌کرد: «کاش کسی بیاید و ما را از این قفس پوشالی بیرون بیاورد» (علیزاده، ۱۳۷۳: ۸۹).



نکته دیگر مرتبط با جایگاه عشق، بازنمایی رابطه آن با ازدواج و تحولات مرتبط با کارکردهای ازدواج در این دو متن است. در داستان «بعد از تابستان»، عشق رؤیایی سال‌های نوجوانی دخترانی از طبقه مرفه جامعه و باورهای مرتبط با آن به‌نمایش درمی‌آید، اما در «رعنا»، از نگاه زنی تحصیل‌کرده و هنرمند عشق و روابط عاشقانه به‌تصویر کشیده می‌شود. این عشق و احساسات عاشقانه در هردو داستان با تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده همراه است و نکته قابل توجه اینکه تحول در کارکردهای آشکار و پنهان مرتبط با ازدواج در طول تاریخ اجتماعی در هردو متن دیده می‌شود. به‌زعم جامعه‌شناسان، در جوامع سنتی، همواره یکی از شیوه‌های رایج برای رسیدن به هدف ثبات اقتصادی ازدواج بود و افراد می‌کوشیدند نقشی را که جامعه از آنها انتظار دارد اجرا کنند.

کارکرد آشکار ازدواج تأمین ثبات اقتصادی برای زنان و ارائه خدمات خانگی و پرورش فرزند برای انتقال ثروت در مردان بود و کارکردهای پنهان آن برای زنان استمرار انقیاد و وابستگی آنان به مردان و گسترش سلطه مردان در سطح کل جامعه تلقی می‌شد و برای مردان کارکرد پنهان رضایتمندی در مشارکت و موفقیت در نقش‌هایی بود که در جامعه بسیار ارزشمند تلقی می‌شدند، اما امروزه کارکردهای آشکار جای خود را به کارکردهای پنهان داده‌اند و به‌جای ثبات اقتصادی و پرورش فرزند، رضایت عاطفی و رشد خویشتن کارکردهای آشکار تلقی می‌شوند (ابراهیمی و میرزایی، ۱۳۹۸: ۱۳۸-۱۴۰).

در داستان «بعد از تابستان»، نیز تلقی شخصیت‌ها از روابط عاطفی با کارکردهای آشکار و پنهان ازدواج در جامعه سنتی هم‌خوانی دارد؛ برای مثال، حتی شهباز برای پسری که در آینده خواهد داشت نام انتخاب کرده است (علیزاده، ۱۳۷۳: ۱۲۷). حورا و توران سال‌ها بعد در مواجهه با او در یک مهمانی با شنیدن نام پسر شهباز (همان، ۱۵۳) مطمئن می‌شوند که او رؤیاهایش را محقق کرده و این دو در عشقی خیالی زمان را از دست داده‌اند، اما در داستان روانی‌پور، شخصیت اصلی، در توصیف عشق خیالی خود، بر روابط عاطفی و رضایتمندی در این زمینه تأکید دارد و رعنا با وجود ثبات اقتصادی خواهان همین رضایتمندی است؛ بنابراین، داستان «رعنا» تلقی‌ای مدرن را از رابطه عاطفی میان زن و مرد به‌تصویر می‌کشد و داستان «بعد از تابستان» تلقی‌ای سنتی را ترسیم می‌کند.

## ۶. نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد شخصیت‌های داستانی در آثار بررسی‌شده، علائمی را بروز می‌دهند که با معیارهای بالینی تشخیص اختلال موردنظر مطابقت دارد (جدول ۱). نویسندگان به‌خوبی توانسته‌اند در کنار توصیف نشانه‌های بالینی، عوامل زمینه‌ساز بروز این اختلال را هم از لحاظ جنسیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به‌تصویر بکشند و این امر مهارت آنها را در ایجاد حقیقت‌نمایی و باورپذیری در پیرنگ داستانی نشان می‌دهد که منجر به ارتباط بهتر خواننده با متن و تأثیرپذیری از آن می‌شود. نکته دیگر اینکه در متون بالینی جنون عشقی بیشتر در زنان گزارش شده و مدرن‌شدن جوامع و آزادی در بازگویی احساسات و کاهش محدودیت‌ها در روابط نتوانسته است آمار گزارش‌های مرتبط با این اختلال را کاهش دهد. این موضوع به‌درستی در این دو داستان نیز لحاظ شده است؛ در داستان «بعد از تابستان»، جامعه‌ای به‌تصویر کشیده شده که هنوز سنت‌ها در آن قدرت دارند، اما در داستان «رنا» برخی از محدودیت‌ها برداشته شده است؛ با این حال، وضع دشواری که شخصیت‌ها در آن گرفتار شده‌اند زمینه بروز اختلال موردنظر را فراهم می‌کند. در ادبیات پیشامدرن، توصیف رفتارهایی از جانب مردان که با معیارهای تشخیصی اختلال جنون عشقی مطابقت داشته باشد بسیار است و معمولاً اعراض معشوق با شرم و حیا توجیه می‌شود؛ چراکه اظهار عشق از جانب زنان پسندیده نیست. اینکه امروزه چنین تصویری از مردان در متون ادبی حضور ندارد و زنان مبتلا به این اختلال به‌تصویر کشیده می‌شوند، تأییدکننده این مطلب است که هنجارهای رایج در حوزه رفتارهای جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی در بروز این اختلال نقش مهمی دارند و نویسندگان به‌درستی کارکردهای پنهان و آشکار ازدواج و روابط عاطفی میان دو جنس را در متن داستانی به‌نمایش درآورده‌اند و نشان داده‌اند که با وجود تغییرات نظام هنجاری جوامع و ارزش‌های مرتبط با ازدواج و روابط عاشقانه، همچنان بخش مهمی از هویت زنان را عشق، ازدواج و روابط عاطفی با مردان شکل می‌دهد.

نکته پایانی اینکه، نویسندگان در ضمن توصیف احساسات و عواطف شخصیت‌های مبتلا به جنون عشقی، تأثیر این اختلال را در روابط فردی و اجتماعی شخصیت‌ها نیز به‌تصویر کشیده‌اند. به‌نظر می‌رسد مطالعه چنین داستان‌هایی می‌تواند به درک بهتر ذهنیت و تجربه زیستی این افراد و ایجاد تعامل برآمده از درک درست از فرد مبتلا در جهان واقعی کمک کند.

## جدول ۱. مطابقت علائم اروتومانیا در داستان‌ها با معیارهای بالینی DSM-5

نام داستان‌ها و علائم توصیف‌شده در آنها		معیارهای تشخیصی DSM-5
نازلی	بعد از تابستان	
×	×	۱- اعتقاد هذیانی مبتنی بر وجود یک رابطه عاشقانه a delusional conviction of amorous communication
×	×	۲- فرد مقابل (ایژه) معمولاً موقعیت بالاتری دارد. object of much higher rank
×	×	۳- فرد مقابل برای اولین بار عاشق شده است. object being the first to fall in love
-	-	۴- فرد مقابل ابتدا پیشروی جنسی را آغاز کرده است. object being the first to make advances
×	×	۵- شروع ناگهانی (ظرف یک‌دوره هفت‌روزه) sudden onset (within a 7-day period)
×	×	۶- ایژه بدون تغییر باقی می‌ماند. object remains unchanged
-	-	۷- بیمار برای رفتار متناقض‌گونه ایژه دلیل تراشی می‌کند. patient rationalizes paradoxical behavior of the object
×	×	۸- سیر مزمن chronic course
×	×	۹- فقدان توهم absence of hallucinations

## پی‌نوشت

1. Bonebakker
2. Frich
3. Jorgensen
4. Han
5. Erotomania
6. experience lived
7. Bolton
8. De Clerambault
9. Jordan
10. Delusional disorder
11. Seeman
12. Cipriani
13. Anxiety

## 14. Kelly

## منابع

- ابراهیمی لویه، عادل؛ و میرزایی راجعونی، سلیمان (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی عشق*. تهران: وانیا.
- ایبید، فمی (۱۳۹۷). *ادبیات و روان‌پزشکی*. ترجمه ناصر همتی و ناصر معین. تهران: نیلوفر.
- بشیری، محمود؛ و محمودی، معصومه (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای موضوعات و درون‌مایه‌های مرتبط با زنان در داستان‌های زن‌محور زنان داستان‌نویس (۱۳۰۰-۱۳۸۰). *متن‌پژوهی ادبی* ۱۵ (۴۷): ۸۰-۸۱.
- بلنکاریون، پاول (۱۳۹۴). کاربرد داستان‌ها و قیاس‌ها در درمان رفتاری و شناختی. ترجمه مهران حسینی و محمد حسینی. تهران: سروش.
- بیات، حسین؛ و عبادی‌جمیل، سعید (۱۳۹۷). جلوه‌های درد سترونی در مجموعه داستان به‌کی سلام کنم؟. *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی*. ۲۶ (۸۴): ۳۱-۵۱.
- ترنر، جان‌اتان اچ (۱۳۹۸). *مسئله عواطف در جوامع*. ترجمه محمدرضا حسینی. تهران: علمی-فرهنگی.
- حسینی، سیدحسن؛ و ایزدی، زینب (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد. جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان* ۱۴ (۱): ۴۱-۷۲.
- خبازی‌کناری، مهدی؛ و سبطی، صفا (۱۳۹۵). بدنمندی در پدیدارشناسی هوسرل، مرلوپونتی و لویناس. *حکمت و فلسفه* ۱۲ (۴۷): ۷۵-۹۸.
- داودنیا، نسرین؛ تجلیل، جلیل؛ و سراج‌خرمی، ناصر (۱۳۹۲). شخصیت مرزی سودابه در شاهنامه فردوسی. *پژوهشنامه ادب فارسی (فرهنگ و ادب سابق)*. ۹ (۱۶): ۷۷-۹۸.
- رفیقی، سمیه؛ و اصغری، محمد (۱۳۹۶). نقش پدیدارشناسی مرلوپونتی در پزشکی. *پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز* ۱۱ (۲۰): ۱۱۷-۱۴۰.
- رفیقی، سمیه؛ و اصغری، محمد (۱۳۹۹). سلامتی و بیماری از منظر پدیدارشناسی. *فلسفه* ۴۸ (۱): ۶۳-۸۳.
- روانی‌پور، منیرو (۱۳۸۴). *نازلی* (مجموعه داستان). چاپ سوم. تهران: قصه.
- سادوک، بنجامین‌جیمز؛ سادوک، ویرجینیا؛ و روئیز، پدرو (۱۳۹۷). *خلاصه روان‌پزشکی: علوم رفتاری/ روان‌پزشکی بالینی (بر اساس DSM-5)*. جلد ۱. ترجمه فرزین رضاعی. تهران: ارجمند.
- سهراب‌زاده، مهران؛ و حمامی، عطیه (۱۳۹۳). برساخت اجتماعی عشق در تجربه زیسته زنان: بررسی کیفی مسائل و تبعات روابط عاشقانه دختران مجرد تهرانی. *زن در فرهنگ و هنر* ۶ (۴): ۴۷۱-۴۸۸.
- سیدان، مریم (۱۳۹۳). خوانشی روان‌شناختی از داستان «اسماعیل شجاع» از هوشنگ مرادی کرمانی. *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی*. ۲۲ (۷۷): ۱۱۶-۱۳۲.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۹). *صدسال عشق مجازی* (مکتب و طرز واسوخت در شعر فارسی قرن دهم). چاپ دوم. تهران: سخن.

علیزاده، غزاله (۱۳۷۳). *چهارراه* (مجموعه داستان). تهران: زمستان.  
عوض پور، بهروز؛ محمدی خبازان، سهند؛ و محمدی خبازان، سائنا (۱۳۹۷). *روان‌اسطوره‌شناسی*  
(فرهنگ روان‌رنجوری‌های اسطوره‌ای). تهران: سخن.

- Bonebakker, Victoria (2003). Literature & Medicine: Humanities at the heart of health care: a hospital-based reading and discussion program developed by the main humanities council. *Acad Med*. 78(10): 963-967.
- Bolton, Gillie (2005) Medicine and literature: writing and reading. *J Eval Clin Pract*. 11(2):171-179.
- Carel, Havi (2011). Phenomenology and its application in medicine. *Theor Med Bioeth*. 32(1):33-46.
- Cipriani, Gabriele; Logi, Chiara & Di Fiorino, Andrea (2012). A Romantic delusion: de Clerambault's syndrome in dementia. *Geriatr Gerontol Int*. 12(3):383-7.
- Frich, Jan & Jorgensen, J. (2000). Medicine and literature-interpretation and discussion of literary texts in medical education. *Tidsskr NorLaegeforen*. Apr 10; 120(10):1160-4.
- Han, Joost (2013). Locked-in: the syndrome as depicted in literature. *Prog Brain Res*. 2.06: 19-34.
- Jordan, Harold W. et al (2006). Erotomania revisited: thirty-four years later. *Journal of the National Medical Association*. 98(5): 787-793.
- Kelly, Branden D (2005). Erotomania: epidemiology and management. *CNS Drug*. 19(8):657-69.
- Mahmoudi, Masoumeh, Poursaghar, Mahdi & Ālaedini, Kamāl (2020). Literature and Medicine: Clinical Symptoms of Post-Traumatic Stress Disorder in Contemporary Iranian Fictions. *Iran J Psychiatry Behav Sci*.;14(3): e91196.
- Seeman, Mary V (2016). Erotomania and Recommendations for Treatment. *Psychiatr Q*. 87, 355-364.

### References in Persian

- Alizādeh, Ghazāleh (1994). *Chahār Rāh*. Tehrān: Zemestān. [In Persian]
- Avazpour, Behrouz; Mohammadi Khabbāzān, Sahad; Mohammadi Khabbāzān, Sāynā (2018). *Psychomythology*. Tehrān: Sokhan. [In Persian]
- Bashiri, Mahmud & Mahmoudi, Masoumeh (2011) A comparative study topics and themes related to women women women-centered fiction novelist (1921-2001). *Literary Text Research*. 15(47): 51-80. [In Persian]

- Blenkiron, Paul (2016). *Stories and Analogies in Cognitive Behaviour Therapy: A Clinical Review*. Translated by Mehrān Hosseini & Mohammad Hosseini. Tehrān: Soroush. [In Persian]
- Dāvoudniā, Nasrin; Tajlil, Jalil & Serāj Khorrami, Nāser (2014). Borderline personality disorder in Sudabah in Ferdowsi's Shāhnāme. *The Journal of Epicliterature*. 9(16): 77-98. [In Persian]
- Ebrāhimi, Ādel & MirzĀei Rājeouni, Suleimān (2021). *Sociology of love*. 2nd edition. Tehrān: Vāniā. [In Persian]
- Fotuhi, Mahmoud (2020). *Sad sāl eshgh-e majāzi* (One hundred years of virtual love). Tehrān: Sokhan. [In Persian]
- Hosseini, Seyyed Hassan & Izadi, Zeynab (2016). The Phenomenology of lived Experiences of Women Over 35 Years of Age Who Have Never Married in Tehrān. *Women's Studies Sociological and Psychological*. 14(1), Pp. 41-72. [In Persian]
- khabbāzi konāri, Mahdi & Sebtī, Safā (2016). Embodiment in phenomenology of Husserl, Merleau-Ponty, Levinas. *Wisdom and Philosophy*. 12(47), Pp. 75-98. [In Persian]
- Oyebode, Femi (2009) *Mindreadings: Literature and Psychiatry*. Cambridge University: RCPsych Publications. [In Persian]
- Rafighi, Somayeh & Asghari, Mohammad (2017). The Role of Phenomenology of Merleau ponty in Medicine. *Journal of Philosophical Investigations*. 11(20), Pp. 117-140. [In Persian]
- Rafighi, Somayeh & Asghari, Mohammad (2020). Health and Illness from a Phenomenological Perspective. *Philosophy*. 18(1), Pp. 63-83. [In Persian]
- Ravānipour, Monirou (2015). *Nāzli*. 3rd edition. Tehrān: Gheseh. [In Persian]
- Sohrābzādeh, Mehrān & Ātiyeh Hamāmi (2014). The social construction of love in women's experience: a qualitative approach to the problems and consequences of romantic relationships among the single girls in Tehrān. *Journal of Woman in Culture Arts*. 6(4), Pp. 471-488. [In Persian]
- Sadock, Benjamin James, Alcott Sadock, Virjina & Ruiz, Pedro (2015). *synopsis of psychiatry: behavioral sciences/clinical psychiatry*. Translated by Farzin Rezāee. Tehrān: Arjmand. [In Persian]
- Turner, Jonathan H (2018). *The Problem of Emotions in Societies*. Translated by Mohammad Rezā Hassani (with an introduction by Dr. Nematullāh Fāzeli). Tehrān: Elmi Farhangi. [In Persian]
- Pirzād, Zoyā (2001). *I turn off the lights*. Tehrān: Markaz. [In Persian]